

اقتصاد آب رانتی است

گفت‌وگو با انوش نوری اسفندیاری

وجود داشته باشد؛ اما اینکه آب پرهزینه، مثل آبی را که از طریق انتقال حوضه به حوضه تأمین شده، به تولیدات کم‌ارزش اختصاص دهیم فقط می‌تواند در یک اقتصاد رانتی اتفاق بیفتد. چون رانت وجود دارد طبیعتاً مخاطرات بیشتر می‌شود.

شما از وجود اقتصاد رانتی در حوزه آب گفتید. از طرف دیگر معتقد هستید نیاز باید برطرف شود. ما از نظر مدیریت منابع آب در چه وضعیتی هستیم، آیا می‌توانیم به بهبود شرایط امید داشته باشیم؟

آنچه مسلم است این است که در بحث‌های مرتبط با پروژه‌های انتقال آب، خیلی پراکنده و متفاوت بحث و کارشناسی صورت گرفته است. ما باید بینیم ارزش‌های بنیادین در زمینه نگهداری و حفاظت از آب در کشور کافی است، یا نیاز داریم که در ساختارها و قوانین و موازین تغییراتی ایجاد کنیم. چهار ارزش بنیادین در جهان برای طرح‌های آب از ۲۰ سال پیش مطرح شده است: یکی کارایی است و دیگری عدالت و انصاف اجتماعی، تصمیم‌گیری مشارکتی و پایداری و پاسخگویی. ما در توجه و رعایت این ارزش‌های بنیادین دچار کاستی‌های بسیاری هستیم. ما هم باید در نظام فنی و اجرایی، هم در نظام دستوری و اجرایی خود بازبینی اساسی داشته باشیم. با توجه به اینکه درباره کارایی، کارنامه قابل قبولی نداریم، باید دستورالعمل‌های لازم تهیه شود و نظام تصمیم‌گیری و اجرا نیز اعتلا پیدا کند تا بتواند مطالعات را به درستی تهیه کرده و بعد هم اینکه بتواند به خوبی از این اطلاعات استفاده کند. یکی از دلایل اینکه نسبت به اعداد ارقام و ادله‌ای که در این حوزه مطرح می‌شود سوءظن وجود

با توجه به اینکه کشور از یک سو درگیر خشکسالی و بحران برداشت بی‌ضابطه از آب‌های زیرزمینی و بهره‌برداری ناپایدار است، بحث انتقال آب از خزر و عمان به مناطق مرکزی با چه انگیزه‌هایی مطرح می‌شود؟

بعضی از تصمیمات، با توجه به نبود توسعه متوازن منطقه‌ای، به شکلی پیش رفته‌اند که با امکانات طبیعی از جمله منابع آب سازگار نیست و اگر بخواهیم وضع موجود را ادامه دهیم، ناچار باید آب جدید وارد منطقه کنیم و اگر هم بخواهیم روندها را تغییر دهیم باید دست به یکسری تغییرات وسیع‌تر بزنیم که در برنامه توسعه مناطق، یا تحت عنوان «آمایش سرزمین» یا انتخاب شیوه‌های توسعه «کم‌آب‌بر» از آن اسم می‌برند. این تصمیمات هم به نوعی جراحی بزرگ است و هم اگر بخواهیم وضع موجود را ادامه دهیم، ناگزیر به انتخاب آن‌ها هستیم. طبیعتاً این کار ریسک‌های بسیار زیادی دارد.

معمولاً به بهانه تأمین آب شرب، ما توسعه کشاورزی را هم خواهیم داشت. اگر آبی از خزر به سمنان منتقل شود، قطعاً فراتر از نیاز شرب مردم، در کویر توسعه کشاورزی خواهیم داشت و این توسعه با هیچ منطقی سازگار نیست. آیا چنین رفتاری با سرزمین عقلانی است؟

اینجا همان جایی است که ما نمی‌توانیم مسائل را به صورت جزیره‌ای حل کنیم. ما حتی با این گزینه روبرو هستیم که باید آب را بازتخصیص دهیم؛ یعنی بعضی از جاها از مصارف آب کشاورزی کم کنیم یا از آب بازیافتی و پساب‌ها برای تأمین نیازها استفاده کنیم و طبیعتاً بین بخش‌ها باید ارتباط

”

«ما نمی‌توانیم مسائل را به صورت جزیره‌ای حل کنیم.»

“

دارد، سابقه بدی است که در نظام فنی و اجرایی و تصمیم‌گیری ما بروز کرده و این سابقه موجب بدگمانی شده است.

شما در چهارگانه ارزش‌های بنیادین آب، به مسئله عدالت و انصاف اجتماعی اشاره کردید. سؤالی که این روزها برای بسیاری مطرح است این است که اگر ضرورتی برای انتقال آب در ایران وجود دارد، چرا سیستم و بلوچستان در اولویت نیست و مثلاً سمنان، اصفهان، یزد و کرمان در اولویت دولت یا دولت‌ها است؟

اولین نکته این است که آیا حتماً فایده‌های انتقال آب بیشتر از هزینه‌های آن است یا خیر؟ چون نظام ما از این نظر در تشخیص فایده و هزینه به‌طور کلی دچار مشکل است. نظام تشخیص، کند و نارسا و غیرشفاف عمل می‌کند. برای مثال آیا صنایعی که در محدوده این طرح‌های آبی فعالیت می‌کنند، با رانت انرژی توجیه‌پذیر است یا اگر یارانه انرژی برداشته شود و قیمت‌های انرژی واقعی شود و سایر هزینه‌ها نیز لحاظ شود، این طرح‌ها اساساً توجیه اقتصادی ندارند؟ طرح‌های آب طرح‌های تولیدی نیستند و ارزش آن‌ها منوط به نوع استفاده‌ای است که از آن‌ها می‌شود. اگر در اقتصاد رانتی تمام هزینه را مصرف‌کننده نپردازد، طبیعتاً استفاده اقتصادی از آب هم نمی‌تواند انجام دهد. این مهم‌ترین ابهامی است که در اذهان وجود دارد. مسئله بعدی توزیع فایده‌ها و هزینه‌ها است. این مسئله تاکنون شفاف نبوده و معلوم نیست عدالت بین منطقه‌ای و بین اقشار مختلف از نظر هزینه‌هایی که از منابع عمومی تعلق می‌گیرد، چگونه است.

با توجه به ملاحظاتی که تأکید کردید، آیا انتقال آب از خزر به سمنان می‌تواند صورت بگیرد یا خیر؟

انتقال آب بدون مطالعه شدنی نیست. علت آن هم این است که مطالعات چه به صورت منفرد چه به صورت طرح جامع انجام شود، هرچند

سال یک بار باید بازبینی شود. به خاطر این است که ما برای هرکاری (پارچه) باید چند بار اندازه‌گیری کنیم بعد ببریم! نباید اول ببریم بعد اندازه‌گیری کنیم! مشکل ما این است که توجه نداریم که طرح‌های آب، استراتژیک و محوری هستند و طرح‌های کوتاه‌مدت نیستند. باید به اندازه کافی برای تولید اطلاعات و مطالعات و کسب دانش کافی، وقت و هزینه صرف شده باشد. در همه دنیا چنین طرح‌هایی موقعی موفق بوده که در مرحله ترسیم طرح، همه به قضاوت‌ها و داورها و مدیریت ریسک و مشارکت و پاسخگویی توجه کرده‌اند. سعی نکرده‌اند صورت مسئله را پاک کنند و بعد کار خودشان را بکنند. الان اقداماتی که در مورد طرح‌های انتقال آب مطرح است، برای مثال کنسرسیوم درست می‌کنند یا اینکه ائتلاف درست می‌کنند عمدتاً با هدف فشار آوردن است نه با هدف رفع



«ما هم باید در نظام فنی و اجرایی، هم در نظام دستوری و اجرایی خود بازبینی اساسی داشته باشیم.»



کاستی‌هایی که در نظام فنی و اجرایی ما وجود دارد. گاهی صحبت از مشارکت بخش خصوصی و دولتی می‌کنند، در صورتی که این موضوع حتماً باید از بُعد حکمرانی مورد توجه قرار بگیرد. از دید تأمین مالی، این قضیه ناکافی است که ما کنسرسیوم درست کنیم و مسائل مالی پروژه یا ابرپروژه را حل و فصل کنیم. بلکه باید موضع حکمرانی را که رابطه بین دولت و بخش خصوصی و جامعه مدنی است حل و فصل کنیم.

من از صحبت‌های شما این برداشت را دارم که در پروژه‌های استراتژیک آبی، مطالعه‌ای صورت نمی‌گیرد و بیشتر جنبه‌های ظاهری و به‌خصوص مسائل مالی آن‌ها مدنظر است.

مطالعات ناقصی انجام می‌گیرد ولی نه در مراحل تکوین مطالعه! که مرحله شناسایی و امکان‌سنجی و طراحی تفصیلی است. این مراحل خوب رعایت نمی‌شود و تخصص‌هایی که باید درگیر شوند خوب درگیر کار نمی‌شوند. همگرایی بین تخصص‌ها به نحو مناسبی وجود ندارد.

نهادی که باید جلوی چنین مطالعه ناقص یا بعضاً غلطی را بگیرد که پروژه‌های بزرگی مثل پروژه‌های آب، حیات سرزمینی را به خطر نیندازد، چیست و کجاست؟

این موضوع بسیار مهمی است. علاوه بر خود مطالعات باید نهادهایی باشند که از نتایج مطالعات درست استفاده کنند و پیش از آن مطالعات را به درستی هدایت کنند. بخشی از این نهادها در وزارتخانه‌های ذیربط مثل وزارت نیرو، صنایع و وزارت کشاورزی است و بخشی از آن در سازمان برنامه‌بودجه است که متأسفانه به دلیل فروپاشی که در این نهاد اتفاق افتاد خیلی از مسائل رو به عقب رفت. اکنون باید این ظرفیت‌ها را احیا کنیم. از نو شروع کردن، مغایر با نهادسازی است. باید با توجه به آنچه تاکنون داشتیم و رفع خطاهایی که در گذشته بوده، سعی کنیم با اطلاع‌رسانی نه تنها کاستی‌های گذشته در این زمینه جبران کنیم، بلکه باید توانایی جدیدی ایجاد کنیم.

مطالعه آسیب‌شناسانه مدیریت آب در ایران نشان می‌دهد به نوعی کسانی که متولی امور آب هستند و باید این مسائل را مدیریت کنند، در پروژه‌های آب به نوعی نگاه محلی و منطقه‌ای دارند.

بله، یکی از مشکلات نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ما که در آب خود را به صورت بارز نشان داده، مسئله تمرکز و تصمیم‌گیری پشت درهای بسته است. این روش نمی‌تواند پاسخگوی مسائل باشد. چون تمام این تصمیم‌گیری‌ها باید در لایه‌های مختلف و مرتبط با هم در گردش باشد. این

طور نیست که بدون شفافیت و بدون مصالحه و گفت و گو بتوان مسائل کلان را پیش برد. تمام مسائل از ریز و درشت در سطح ملی مطرح می‌شوند. در سطح میانی نیز برای اینکه ارتباط میان سطح خرد و میانی برقرار باشد معمولاً نهادها تقویت می‌شوند و نهادهای جدیدی شکل می‌گیرند که مهم‌ترین آن‌ها مدیریت حوضه‌های آبریز است که این موضوع در برنامه‌های چشم‌انداز مورد توجه بوده ولی اقدامی جدی در این زمینه صورت نگرفته است. این نوع تحولات و دگرگونی‌ها یک شبه نمی‌تواند شکل بگیرد

در شرایطی که بسیاری از مسائل اولیه اقتصادی و اجتماعی و پایداری طرح‌ها حل و فصل نشده‌اند، اجرای این نوع طرح‌ها خیلی ریسک دارد و خطرات بسیاری دارد. البته ممکن است برخی جنبه‌های موازنه کمی آب را حل و فصل کند، اما با مسائل عمده‌ای که ما در آب زیرزمینی از نظر کمی و کیفی داریم، این موضوع زیر سؤال می‌رود. هیچ مشخص نیست که در سمنان که در حال حاضر نزدیک به دو میلیارد مترمکعب آب بهره‌برداری می‌کنیم، بتوانیم با ۲۰۰ میلیون مترمکعب انتقال آب از خزر مشکلی

توسعه، آب بیشتری می‌خواهد و تقاضا از سوی مردم بیشتر می‌شود. باید از این مسئله به معنای واقعی کلمه عبرت بگیریم. ناتوانی ما نیز مشخص است، علت اینکه در زیربناها ناتوان بودیم همین مسئله است. ما نظام تصمیم‌گیر درستی نداشته‌ایم و ممکن است در جاهایی سرمایه‌گذاری کمتری کرده باشیم و جاهایی سرمایه‌گذاری‌های بیشتر از ظرفیت انجام داده باشیم. ما باید با درس گرفتن از این تجربیات، مکانیسم‌های بازار و اقتصاد را قوی‌تر کنیم و چارچوب‌های مشارکت مردم



و هرچقدر هم با تأخیر این مسائل را شروع کنیم، طبیعتاً از فواید آن‌ها کمتری توانیم استفاده کنیم. بیش از ۳۰ سال است که تحولات ساختاری در مدیریت آب مطرح بوده ولی زمینه‌های آن فراهم نشده و هیچ اقدام جدی برای اجرای آن اتفاق نیفتاده است.

فواید انتقال آب و مضرات آن از منظر اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی چه می‌تواند باشد؟

را حل کنیم یا شاخصی را تغییر دهیم؛ بنابراین این امید که مشکل بنیادین آب در استانی مانند سمنان ممکن است حل شود در معرض تردید است. تجربه ما در اصفهان و ارومیه نشان می‌دهد وقتی به پیشران‌های توسعه به صورت افسارگسیخته مجال دهید و جمعیت و رشد مهارناپذیر توسعه را در یک منطقه دامن بزنید، چرخه‌ای شروع به حرکت می‌کند که مثل یک دام عمل می‌کند که نمی‌توان جلوی آن را گرفت؛ بنابراین، این

و دولت را جدی‌تر بگیریم؛ یعنی باید رابطه و مشارکت بین بخش خصوصی، جامعه مدنی و مردم فراهم شود. شاید این مشکلات و معضلاتی که بحران آب فراهم آورده است، فرصتی باشد برای ما که به تغییرات بنیانی‌تری در مدیریت آب فکر کنیم، به جای اینکه سعی کنیم با تکنولوژی به جنگ مشکلات آب برویم. مأخذ: هفته‌نامه تجارت فردا، شماره ۳۰۳، ۲۹ دی ۱۳۹۷.